



**Inefficiency of Humanities in Iranian Universities, Based on Students' Lived Experience; A Phenomenological Research**

**Batoul Beheshti<sup>1\*</sup>, Saeed Safaei Movahed<sup>2</sup>,  
Khosro Bagheri<sup>3</sup>**

1- M.A. of Curriculum Studies, University of Tehran,  
Tehran, Iran.

2- Ph.D. of Curriculum Studies, National Iranian Oil  
Company, Tehran, Iran.

3- Professor, Dep. of Psychology and Education,  
Tehran University, Tehran, Iran.

**Abstract**

the field of humanities has started from intellectual and philosophical foundations and has extended to the most practical human needs and has a close relationship with the concept of development and progress. The purpose of this study is to study the life experience of students about the causes of inefficiency of humanities in Iranian universities. Phenomenology and semi-structured interviews were used. The research participants, students of the Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, were selected by purposive sampling. The research tool was a semi-structured interview and data collection was saturated in fifty-five interviewees. Findings indicate that the inefficiency of humanities depends on the lack of promotion of its scientific and research achievements, insufficient attention to the field of humanities in the discussion of national policies and the lack of broad and comprehensive insights in the field of humanities. These cases indicate the complete dependence of the humanities on policy-making institutions.

**Keywords:** Inefficiency of Humanities, Iranian Universities, Students, Phenomenological.

---

\* Corresponding author: beheshti529@ut.ac.ir



## ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه های ایران بر اساس تجربه زیسته دانشجویان: یک پژوهش پدیدارشناختی

بتول بهشتی<sup>۱\*</sup>، سعید صفائی موحد<sup>۲</sup>، خسرو باقری<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران.

۲- دکترای برنامه ریزی درسی، شرکت ملی نفت ایران، تهران.

۳- استاد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، تهران.

### چکیده

حوزه علوم انسانی که از مبانی فکری و فلسفی آغاز شده و تا کاربردی ترین دانش های مورد نیاز بشری امتداد یافته، به عنوان یکی از زیرساخت های مهم علمی، رابطه نزدیکی با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد که بدون در نظر گرفتن این حوزه، مسیر علم و پیشرفت کند خواهد بود. هدف این مقاله، مطالعه تجربه زیسته دانشجویان پیرامون علل ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه های ایران می باشد که از روش پدیدارشناسی و مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است، مشارکت کنندگان پژوهش از دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و به روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده و جمع آوری داده ها در پنجاه و پنج مصاحبه به اشباع رسید. یافته ها حاکی از آن است که ناکارآمدی علوم انسانی در گرو عدم اعتدالی دستاوردهای علمی و پژوهشی آن، عدم توجه کافی به رشته علوم انسانی در بحث سیاست گذاری های کشوری و نبود بیش وسیع و جامع در حوزه علوم انسانی است. این موارد بیانگر وابستگی کامل علوم انسانی به نهادهای سیاست گذار است.

کلیدواژه ها: ناکارآمدی علوم انسانی، دانشگاه های ایران، پدیدارشناختی.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می شود:

Beheshti, B., Safaei Movahed, S. & Bagheri, Kh. (2021). **Inefficiency of Humanities in Iranian Universities, Based on Students' Lived Experience; A Phenomenological Research.** *Journal of Science & Technology Policy*, 14(2), 67-80 {In Persian}.

DOI: 10.22034/jstp.2021.14.2.1349

### ۱- مقدمه

مرزهای دانش بشری فراهم می کند. بنابراین از اهداف اولیه آموزش عالی، رشد و توسعه دانش، مهارت، نگرش و توانایی دانشجویان در ارتباط با سایر بخش های جامعه و همچنین تبدیل آنان به فراگیرانی است که مدام در حال تحقیق و پژوهش هستند و دارای توانایی استفاده از حداکثر قابلیت و مهارت های خود را در جامعه بوده و قادر به تحلیل و پاسخگویی به نیازهای جامعه باشند [۱]. تحقق این امر مهم، نیازمند بسترسازی و زمینه های لازم است و توان پاسخگویی به نیازهای جامعه توسط نیروهای خروجی دانشگاه ها و مراکز

آموزش عالی، بخش مهم و حائز اهمیتی است که در ارتباط گسترده با دیگر نهادها و بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه است. کارایی و اهمیت آموزش عالی فراتر از کاویدن و پژوهیدن و آموزاندن است؛ این نظام تربیتی با تربیت نیروهای متخصص و علمی جامعه، زمینه رشد و تعالی استعداد های فکری انسان را در گستره

DOI: 10.22034/ jstp.2021.14.2.1349

\* نویسنده عهده دار مکاتبات: beheshti529@ut.ac.ir

عالی، فارغ از انتقادات و محدودیت‌هایی که در بطن خود دارد، نتوانسته در گستره حوزه‌ها و شاخه‌های علمی از جمله حوزه علوم انسانی نمود شایانی داشته باشد. بویژه آنکه علوم انسانی به عنوان یک حوزه معرفتی مهم و گسترده، در برگیرنده ارتباطات و تجارب مشترک بشری است و زمینه‌های پیوند انسان را در جغرافیای فرامرزی فراهم می‌کند. با وجود اینکه شواهد علمی بیانگر بالا بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری در علوم انسانی بوده و اصولاً سرمایه اجتماعی، زیرساخت نظام ملی نوآوری است [۲]، با این حال، قابلیت رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی و دانشگاهی نابرابر است و این مساله نظام آموزش عالی را با چالش ناکارآمدی ساحت علوم انسانی مواجه کرده است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تجربه زیسته دانشجویان در مورد ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران، با هدف توصیف و تفسیر دیدگاه دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. بر این اساس، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: تجربه زیسته دانشجویان از ناکارآمدی علوم انسانی چیست؟

چارچوب مفهومی در تحقیق حاضر مبتنی بر پارادایم توصیفی است، به اعتقاد بازرگان [۳]، براساس دیدگاه توصیفی، واقعیت مشروط به تجربه انسان است؛ انسان با تجربه می‌تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد و پژوهشگر از راه تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل می‌شود. با توجه به این موضوع و با استفاده از دیدگاه بازرگان برای انجام پژوهش‌های آموزشی که بتواند راه‌گشای شناخت عمقی عناصر نظام آموزشی باشد، باید از روش‌شناسی توصیفی استفاده نمود [۴]. در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از پارادایم توصیفی، به بازسازی تجارب دانشجویان در مورد ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران پرداخته شود و نشان داده شود که مشارکت‌کنندگان چه درکی از مساله دارند، و آن را چگونه درک و ارزیابی می‌کنند.

## ۲- مبانی نظری

ناکارآمدی علوم انسانی و بحث تحول در حوزه علوم انسانی، یکی از مباحث اساسی و دامنه‌دار است، به ویژه هنگامی که بخواهیم نسخه‌ای بومی از آن ارائه دهیم. دانشگاه‌ها و مراکز

آموزش عالی کشور بویژه در حوزه علوم انسانی در راستای انجام رسالت‌ها و وظایف خود همواره با مسایل و مشکلاتی دست‌به‌گریبان بوده که تداوم آن چالش‌ها و نارسایی‌های علمی و پژوهشی در این نظام را در پی داشته و نهایتاً به افت شدید کیفیت آموزش، تدریس و پژوهش در مراکز دانشگاهی منجر خواهد شد [۵]. علی‌رغم حرکت روبه‌جلو محققان کشور در تولید علم، اما هنوز جایگاه کشور از نظر فعالیت‌های علمی و پژوهشی اساتید و سهم کشور در تولید دانش بشری وضعیت مطلوبی ارزیابی نمی‌شود. تحولات معرفتی اقتضا می‌کند که حاملان علوم انسانی در ایران در عین حال که در صدد یافتن راه حل برای مسایل بومی باشند، به عرصه‌های جهانی نیز نظری داشته باشند و در مواجهه با چالش‌هایی که خانواده بزرگ بشری را مورد تهدید قرار می‌دهد، اندیشه کنند [۶]. کارایی و کارآمدی حوزه علوم انسانی با رویکرد نیک‌بینانه تلاشی برای ربط دادن هدفمند این علوم به پیکره جامعه است. به استناد آنچه در ادامه خواهد آمد، همین خود فرضی مستور از ناکارآمدی علوم انسانی در بستر جامعه را دارد [۷]. مناقشات مرتبط با وضعیت علوم انسانی که عمدتاً از کاستی‌ها و نیستی‌های آن سخن گفته، چالش‌هایی برای کارآمد شدن آن نشان می‌دهد. بدون شک برای رسیدن به اهداف و چشم‌انداز نسل سوم دانشگاه که حل مساله اجتماعی و فرهنگی و معرفتی را نیز رسالت خود قرار داده است، توجه به کاستی‌ها و ضعف‌های این علوم را انکارناپذیر نموده است. برای رسیدن به این نقطه، علوم انسانی با چالش‌هایی مواجه است و می‌طلبد الزاماتی داشته باشد و نیازمند نوعی آمادگی افکار عمومی توسط جامعه علمی و آکادمی به جایگاه و منزلت حوزه علوم انسانی و ارتباط آن با سایر نهادهای جامعه باشد [۸]. وجه دیگری از ناکارآمدی کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم اسلامی این است که نتوانسته سهم قابل توجهی را در تولیدات علمی در حوزه علوم انسانی به خود اختصاص دهد [۹]. در همین ارتباط نقش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور و عدم توجه به علوم انسانی، نمایشگر این حقیقت است که نه تنها علوم انسانی جایگاه خود را در زندگی فردی جمعی از دست داده [۱۰]، بلکه نگرش رایج در جامعه به ویژه در میان دانشجویان نیز به این علوم، یک نگرش

منفی و دست دوم است در صورتی که این علوم دارای کارکردهای مهمی در زندگی فردی و اجتماعی هستند. نگرش فعلی به علوم انسانی باید در جامعه ما تغییر کند و شأن علوم انسانی در دانشگاه‌ها حفظ شود. برای تأمین این منظور لازم است در دانشگاه‌ها درباره فناوری، علم، جامعه و دین مطالعه شود و لذا باید حوزه‌های مختلف علمی به دروس تخصصی خود اکتفا نکنند بلکه ابعاد فلسفی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی تخصصی خود را تحلیل کنند. در واقع در شرایط فعلی جهانی رشته‌های مختلف علمی نه تنها باید مسائل حوزه تخصصی خود را حل کنند بلکه باید منابع را اداره و برای آن‌ها سیاست‌گذاری کرده و استفاده بهینه از فناوری در جوامع انسانی را مدنظر داشته باشند [۱۱]. البته راهی که تاکنون رفته‌ایم، راه بی‌حاصلی نبوده و تجربه‌های بسیاری به دست آورده‌ایم. برای دستیابی به تصویر و تعریفی روشن از این دانش‌ها، وظیفه و جایگاه آن‌ها در کلیت نظام اجتماعی، لازم است ارتباط بین مردم، دولت و کنشگران این رشته‌ها بسط یابد. بدون یک گفتگوی مستمر بین این سه گروه نمی‌توان به تعریف دانش انسانی مناسب بافت جامعه ایران دست یافت. گروهی که متولی این گفتگوها است، جز کنشگران علوم انسانی نمی‌تواند باشد. کنشگران این علوم ناگزیر باید مسئله غایت، تعریف و تلقی‌های مختلف از این دانش‌ها را به بحث و گفتگوی جمعی با جامعه و دولت بگذارند تا از دل این گفتگوها راه این علوم برای توسعه درون‌زا فراهم شود [۱۲].

### ۳- مرور پیشینه تحقیق

دیرینگی حوزه علوم انسانی به قدمت حضور آدمی بر روی کره خاکی است. تمدن چندهزارساله ایران نیز تجلی پیشینه این حوزه از دانش بشری است. در سال‌های اخیر به علت استقبال بخش‌های مختلف جامعه، تقاضا برای تحصیل در این عرصه افزایش یافته و شماری از دانشگاه‌ها به گسترش دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در حوزه یادشده روی آورده‌اند [۱۳]. مسئله علوم انسانی در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی برای مدتی مطرح شد اما بی‌آن‌که مباحث راه‌به‌جایی ببرد، رها شد و سال‌ها است که گفتگویی درباره این علوم به نحو جدی انجام نمی‌شود [۱۴].

<sup>1</sup> Hooker

<sup>2</sup> Lankard

حوزه‌های علوم انسانی است [۲۲]. تفاوت بنیادی دیگری که در حوزه نظر و اندیشه میان ما و غربی‌ها وجود دارد، عبارت است از به کارگیری اندیشه در فهم پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی، تاریخی، سیاسی، و حتی فردی [۲۳]. در غرب اگر اندیشه، اعتبار و اهمیتی دارد، به واسطه کمکی است که محقق برای تبیین و کشف حقیقت یا فهم اسباب و علل به وجود آمده تحولات و رویدادهای اجتماعی می‌کند، شاید بهتر بتوان درک کرد که چرا ما در حوزه علوم انسانی آثار و منابعی که پیرامون تحولات و مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه خودمان هم با فقر دهشتناکی روبه‌رو هستیم و چرا جدیدترین آثار و منابع ما در خصوص انقلاب اسلامی ایران، اقتصاد ایران، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و از این قبیل، توسط غربی‌ها به رشته تحریر در آمده و ما خود تولیداتی نداشته‌ایم [۲۴].

اهمیت نقش علوم انسانی در تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بر صاحب‌نظران علم و فناوری پوشیده نیست. بی‌تردید ارتقای تولیدات این حوزه از دانش می‌تواند مسیر پیشرفت عالمانه کشور را به سمت اهداف نظام سیاسی هموار سازد. اما خلق این نوع دانش در کشور دچار نوعی کندی است و از کاربرد آن چندان رضایتی وجود ندارد [۲۵]. با توجه به مباحث گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت عدم مدیریت صحیح علوم انسانی در مراکز دانشگاهی از جنبه‌های مختلف سبب برآورده نشدن توقعات و انتظارات و در نتیجه کاهش کیفیت این حوزه در مراکز دانشگاهی و علمی و کاهش رضایتمندی متقاضیان رشته‌های تحصیلی این حوزه علمی شده‌است [۲۶]. با نگاهی گذرا به عملکرد و فعالیت‌های استادان دانشگاه‌ها، در می‌یابیم که مراکز آموزش عالی کشور مخصوصاً در حوزه علوم انسانی به شدت آموزش‌محور هستند. بها ندادن به تحقیقات کاربردی و بنیادی از دیگر مشکلات این علوم است. شاید بی‌توجهی به حوزه کاربرد علم و متمرکز شدن بر نظریه‌ها را بتوان پیش‌درآمدی بر نارسایی فوق‌تلقی کرد، به دلیل حاکمیت رویکردهای کمی‌تی و قابل اندازه‌گیری مالی و اقتصادی، زبان‌ها، هنرهای زیبا، جذابیت یادگیری و تحقیق به سادگی نادیده گرفته یا مورد غفلت واقع می‌شوند و یا بسیار کم‌اهمیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بر اساس گزارش‌های سکاران [۲۷]، کنکاش‌های صورت گرفته توسط محققان و

علوم انسانی از طرف دیگر، به راه افتاد. به عبارتی، مطالعه در علوم انسانی فقط اهداف آموزش وسیع را برآورده نمی‌کند، بلکه اهداف تخصصی مهندسی را نیز محقق می‌سازد تا افراد با آگاهی هر چه تمام‌تر در فرایند تصمیم‌گیری از عهده مسئولیت‌های اجتماعی خویش برآیند. بر اساس گزارش‌های کر<sup>۱</sup> [۱۸]، در بولتن دانشگاه استنفورد جایگاه علوم انسانی به عنوان مبنای ایده‌آلی برای کشف و فهم تجارب انسانی در نظر گرفته می‌شود. مطالعه رشته‌هایی مثل فلسفه باعث می‌شود افراد به تفکر درباره مسائل اخلاقی و آموختن زبان دیگر ترغیب شوند و همچنین موجب آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت می‌شود. یا بر اساس گزارش محققان [۱۹]، در دانشگاه ام‌ای‌تی<sup>۲</sup> برنامه‌ای در زمینه علم، فناوری و جامعه وجود دارد که در تهیه آن متخصصان علوم انسانی و مهندسی و علوم پایه مشارکت دارند و هدف آن بررسی رابطه فعالیت‌های علمی و مهندسی با نیازها و مقتضیات جامعه است. این دانشگاه درجه مشترک نیز در زمینه علوم انسانی و مهندسی اعطا می‌کند.

شکی نیست که فناوری در زمان حاضر در توسعه همه کشورها نقش بسیار اساسی دارد. اما فناوری در فقدان انسان مطرح نیست. حل مسائل انسان‌ها و دغدغه‌های آن‌ها باید هدف فناوری باشد. به عبارتی با علوم انسانی متخصصان و مهندسانی تربیت می‌شوند که بهتر می‌توانند با مسائل پیچیده زندگی روبه‌رو شوند. پس لازم است تغییر نگرشی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها ایجاد شود [۲۰]. یکی از اساسی‌ترین مشکلات ما در علوم انسانی عدم درک عمیق و ریشه‌ای بسیاری از دانشجویان از مباحث پایه‌ای این حوزه می‌باشد. دانشجویان ما در این حوزه نه تنها از منابع علوم انسانی بهره‌ای عایدشان نمی‌شود، بلکه از کلاس‌های بسیاری از استادان هم به جایی نمی‌رسند [۲۱]. آنچه بیشتر از هر چیزی ذهن و فکر یک منتقد این حوزه را دغدغه‌مند می‌کند این است که ما در علوم انسانی از خود فکر و اندیشه‌ای نداشته و عملاً مترجم فکر غربی‌ها هستیم. این که چرا ما حتی پیرامون تحولات جامعه خودمان هم نمی‌توانیم اثری تولید کنیم، دقیقاً به واسطه همان پدیده فقدان تولید علمی، در

<sup>1</sup> Keer

<sup>2</sup> MIT University

چارچوب‌هایی را تدارک می‌بینند که فهم ما را از مؤسسات اجتماعی، فرهنگی و پیامدهای اجتماعی آن‌ها تغییر می‌دهد.

#### ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر در چارچوب روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شده است. برحسب نحوه گردآوری داده‌ها جزء پژوهش‌های توصیفی به شمار می‌رود. یکی از ویژگی‌های عمده تحقیق کیفی، تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه معینی از یک پدیده است که به آن مورد گویند [۲۹]. با توجه به این که محقق در پی بازنمایی تجربه زیسته دانشجویان از ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران بوده، این پدیده در شرایط و محیط بررسی شده و داده‌ها به صورت مستقیم و به شکل توصیفی توسط پژوهشگر گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی و با توجه به صحبت دانشجویان انجام پذیرفته و سعی شده این پدیده از دید دانشجویانی باشد که در این زمینه مطالعاتی داشته و علاقه‌مندی خود را نسبت به این پدیده نشان داده‌اند. از عین گفتار در ثبت داده‌های مورد گردآوری استفاده شده و همچنین نتیجه‌گیری از طریق استدلال صورت گرفته است. مفاهیم طی بررسی خطبه‌خط مصاحبه‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها مشخص شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، براساس ویژگی‌ها و ابعاد مشترک، ارتباط مقوله‌های فرعی با مقوله‌ها شکل گرفت و در نهایت، با کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها یکپارچه شد. بر اساس دیدگاه استراوس و کربین<sup>۱</sup> [۳۰] برای اعتباربخشی به نتایج، یافته‌ها با مصاحبه‌شونده‌ها بررسی شد تا تفاسیر شرکت‌کنندگان تأیید شود. ضمن آن‌که نتایج نیز در اختیار صاحب‌نظران دیگر قرار گرفت تا صحت کدگذاری و مقوله‌ها مشخص شود.

بهترین رویکرد قابل استفاده برای پژوهش حاضر، رویکرد پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی و پدیدارنگاری مربوط به تحقیق در مورد تجربه زیسته افرادند. مطابق این رویکرد افراد خالقین فعال دنیای خودشان هستند و نسبت به ارتباطات و تجارب و دانش روزانه خود آگاهی دارند [۳۱].

پتن<sup>۲</sup> [۳۲]، معتقد است «پدیدارشناسی با این فرض بنا می‌شود که تجارب مشترک همه افراد، یک جوهر مشترک

صاحب‌نظران علمی جامعه ایرانی، پیرامون پدیده ناکارآمدی علوم انسانی و شاخه‌های آن علوم در ایران، گرفتار آسیب‌هایی جدی اند که توجه به آن‌ها می‌تواند ضرورت بحث را به خوبی روشن می‌سازد. بررسی این مساله، از نوع فرآیندی است، بنابراین هر راهکار تحمیلی، ضربتی و کوتاه‌مدت، محکوم به شکست خواهد بود. به عبارتی برای پیمودن این مسیر پر فراز و نشیب باید همه رویکردها و عوامل مختلف علمی و سیاسی و فرهنگی در نظر گرفته شود. علل و عوامل ناکارآمدی حوزه علوم انسانی، روندی یک‌باره و دفعی نیست بلکه نیازمند بررسی‌های زیربنایی و تخصصی است [۲۸]، متأسفانه چارچوب‌های سخت نظام آموزشی و عدم نفوذ و اجازه به نخبگان و متخصصین آموزشی که شاید این راه پر فراز و نشیب را با راهکارها و تخصص خود آسان و کوتاه کنند، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند. بسیاری از مجریان برنامه‌های آموزشی ایران، کارآمدی حوزه علوم انسانی را در گرو پالایش محتوا و متون درسی حوزه علوم انسانی از محتوای غربی می‌دانند، حال آن‌که متون بسیاری از شاخه‌های حوزه علوم انسانی که در دانشگاه‌ها و نظام آموزشی مورد تدریس و تدوین قرار می‌گیرد برگرفته از نظریه‌های غربی و نگرش‌های نظریه‌پردازان غربی است و جای بسی سؤال دارد که این دوستان در صدد پالایش کدام یک از مواد درسی و حوزه علمی هستند که عاری از نظریه و دیدگاه علمی غربی‌ها نباشد، و جای بسی شگرف است که چرا مسئولین و مجریان فرهنگی و علمی و سیاسی بیشترین مانور بومی‌سازی را در حوزه علوم انسانی می‌دهند در حالی که این حوزه چارچوب و مبنای غربی دارد. تفکرات غرب در این حوزه بیشتر از هر چیزی خودش را نشان می‌دهد و به عبارتی برای تولید علوم انسانی کارآمد، باید عالمان و متخصصان، اقدامات مداخله‌گرانه خود را عالمانه و علمی انجام دهند و در سایه این برنامه‌ریزی‌های دقیق و هوشمندانه، علوم انسانی کارآمد تولید کنند. توجه به نقش علوم انسانی در توسعه تحلیل‌های ادراکی و مهارت‌های ارتباطی برای یک هویت بالغ و رشدیافته ضروری است و باید اهمیت آن در برنامه‌های توسعه آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این علوم از لحاظ سازمانی، قانونی و اقتصادی

<sup>1</sup> Esterav & Corbin

<sup>2</sup> Patton

دارد. در پدیدارشناسی، تجارب درونی افراد متفاوت به منظور بررسی جوهر مشترک آن‌ها طبقه‌بندی، تحلیل و مقایسه می‌شوند، هدف پژوهشگر از اجرای طرح تحقیق پدیدارشناسی آن است که معنی یک پدیده یا مفهوم مورد مطالعه را از نظر یک گروه از افراد بررسی کند. به عبارت دیگر پدیدارشناسی سعی بر آن دارد که به شناخت از پدیده، از طرق پی‌بردن به درک افراد از آن پدیده، ارجح نماید.»

جامعه آماری این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل معرفت‌جویان در حال تحصیل و دانش‌آموخته‌های دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. در پژوهش حاضر با ۵۵ نفر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت که از مصاحبه ۴۵ به بعد، اشباع نظری حاصل شد اما برای اطمینان تا مصاحبه ۵۵ ادامه یافت. در مطالعه حاضر، باید افرادی مورد پژوهش قرار گیرند که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند یا اینکه در مورد پدیده مورد مطالعه اطلاعاتی داشته باشند و ضرورت دارد ملاک خاصی برای انتخاب افراد مورد نظر باشد. با توجه به این راهبرد نمونه‌گیری موارد ویژه (بحرانی) برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شده است. نمونه‌گیری از موارد ویژه روشی است که در آن نمونه‌ها به دلیل اهمیت خاصی که دارند و در مرکز موضوع مورد بررسی هستند، انتخاب می‌شوند. افراد یا محل‌هایی که بیشترین اطلاعات را فراهم آوردند، موارد ویژه هستند و زمانی به طور عملی برای پژوهش مفیدند که بتوان نمونه کوچکی انتخاب نمود. بازه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۲۵ تا ۴۰ سال است. از ۵۵ نفر نمونه ۲۰ نفر دانش‌آموخته و ۳۵ نفر مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد، مدرک تحصیلی ۲۵ نفر کارشناسی ارشد، ۱۵ نفر کارشناسی، ۱۵ نفر دکترا بود. منطق موجود در نمونه‌گیری موارد ویژه، زمانی است که در پژوهش مقدماتی درک دانشجویان سال اول کلیه رشته‌های علوم تربیتی را از یک پرسشنامه مورد بررسی قرار می‌دهیم بر اساس دیدگاه دلاور [۳۳]، اگر سال اولی‌ها بتوانند مفهوم پرسشنامه را درک کنند، می‌توان مطمئن بود که برای سال‌های بالاتر نیز این درک وجود دارد. با توجه به نمونه در نظر گرفته‌شده، دانشجویانی انتخاب و به مصاحبه دعوت شدند که از نظر محقق در مورد پژوهش مورد نظر بیشترین اطلاعات را در اختیار محقق قرار می‌دهند. در تحلیل پژوهش حاضر از روش توصیفی، ۷

مرحله کلایزی<sup>۱</sup> [۳۴]، برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در مرحله اول، پس از انجام هر مصاحبه کل متن مصاحبه روی کاغذ پیاده شد و یادداشت‌هایی که حتی پس از مصاحبه شرکت‌کننده بیان می‌کرد نیز به متن مصاحبه اضافه گردید. این روند برای همه مصاحبه‌ها ادامه داشته است. در مرحله دوم، کل متن، چندین مرتبه مرور شد تا درک کلی از متن حاصل شود. در مرحله سوم، پس از مطالعه متن، معانی استخراج‌شده به صورت کدهای اولیه تنظیم شد تا دسته‌بندی راحت‌تر صورت گیرد. در مرحله چهارم، معانی کدگذاری‌شده در قالب خوشه‌هایی از زیرمضامین‌ها سازمان‌دهی گردید. در مرحله پنجم، بازنگری صورت پذیرفته است. بدین منظور برای دستیابی به مفاهیم واضح و بدون ابهام، لازم بود یک مرتبه دیگر بازنگری در کدهای پدیدآمده از اولین مصاحبه تا آخرین مصاحبه انجام گیرد. در مرحله ششم، زیرمضامین به دست‌آمده در هر گروه با گروه‌های دیگر، مورد مقایسه قرار گرفته و در هم ادغام شد تا مضمون اصلی در هر بخش با توجه به زیرمضمون‌ها به دست‌آید. در انتها و در مرحله هفتم، برای اعتباربخشی، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارجاع داده شده تا از صحت آن، اطمینان حاصل گردد و پس از تعدیل‌هایی، برای انتشار و گزارش نویسی آماده شد.

#### ۵- یافته‌های تحلیلی

با توجه به نکات مشترک برآمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ادراک شرکت‌کنندگان در مورد ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران، مقوله اصلی در چند مرحله به طور مجزا قابل طرح است. مقولات استخراج‌شده، تعریف، اجزاء، ویژگی‌ها و دیگر اشخاص موجود در هر مفهوم را به تفکیک بیان می‌کند، شاهد مثال‌ها، ارتباط مقولات مرتبط و تحلیل آن‌ها آورده شده است. در پژوهش کیفی، گاه در مسیر یافتن پاسخ سوال تحقیق، یافته‌های دیگری نیز حاصل می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه دانشجویان در مورد علل ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران را در سه محور پدیدار ساخته‌اند که عبارتند از: الف- عوامل انسانی ب- عوامل آموزشی ج- عوامل ساختاری و بنیادین.

<sup>۱</sup> Colaizzi

قالب مضامین اصلی و سپس استخراج زیر مضمون‌ها از مصاحبه‌های دانشجویان می‌باشد.

#### ۵-۱ عوامل انسانی

کد ۵، مصاحبه ۱۲: "از نظر بنده ما تا زمانی که هویت حوزه علوم انسانی را برای جامعه دانشگاهی تعریف نکنیم، نمی‌توانیم انتظار پیشرفت و توسعه از این حوزه را داشته باشیم. علوم انسانی باید با هویت مستقل شناخته شود. این‌که ما فارغ‌التحصیل‌های علوم انسانی چه می‌گوییم و چه تفکراتی در مورد آینده حوزه علوم انسانی داریم، در واقع به نوعی از هویت رشته علوم انسانی پرده‌برداری می‌کنیم. تصویر ارائه‌شده از علوم انسانی تصویر غلط و ناصوابی است. جامعه امروزی برای بالندگی نیاز دارد که در این حوزه سرمایه‌گذاری جدی داشته باشد."

همچنین آنچه از بین مصاحبه‌های دانشجویان به صورت پدیداری استخراج گردید حاکی از آن است که دانشجویان عوامل مختلفی را علل ناکارآمدی معرفی کردند که به صورت زیرمضمون در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ آمده است.

به منظور فهم سریع نحوه رسیدن به موضوعات اصلی یا مضمون‌های اصلی، شماره‌گذاری انجام شده است. توضیح این‌که برای درک صحیح ارتباط بین کدهای اولیه، زیرمضمون‌ها و مضمون‌های اصلی این کار صورت گرفته است. منظور از حروف A B C... مضامین اصلی هستند که نهایتاً به این کدها دست پیدا خواهیم کرد. منظور الف (1,2,3 و ب، 1,2,3) زیر مضمون هستند و منظور از ..... A-a1.1, A-a2.2, A-a3.3 کدهای اولیه هستند. آنچه که در جدول‌ها درج شده، کدگذاری مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته دانشجویان و باورهای آنان در مورد علل ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران است که در

جدول ۱) کدهای اولیه حاصل از تجربه زیسته دانشجویان از دلایل ناکارآمدی علوم انسانی - مضمون (الف-انسانی)

کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه
الف (1)	پایین بودن سطح علاقه و انگیزش دانشجویان	الف (3)	نداشتن سیاست پژوهش محوری مسئولان آموزشی	الف (5)	برخوردها و بازخوردهای سرد
الف (2)	فقدان استادان متخصص	الف (4)	تلاشگر نبودن دانشجویان	الف (6)	کارایی نامناسب مدیریت انسانی

جدول ۲) کدهای اولیه حاصل از تجربه زیسته دانشجویان از دلایل ناکارآمدی علوم انسانی - مضمون (ب-آموزشی)

کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه
ب (1)	عدم ارتباط بین نهاد علم و جامعه	ب (8)	تقدم عرضه بر تقاضا	ب (15)	نبود تعاملات فکری در محیط کلاس
ب (2)	فضای خشک و بی روح محیط آموزشی	ب (9)	حضور ناآگاهانه دانشجویان	ب (16)	نبود بینش توسعه یافته
ب (3)	به محاق رفتن علوم انسانی	ب (10)	اولویت دادن فرم به جای محتوا	ب (17)	به روز نبودن پژوهش‌های علوم انسانی
ب (4)	بومی نبودن مباحث تئوری و علمی	ب (11)	عدم جایگاه مطالعات میان بین رشته‌ای رشته‌ای در دانشگاه‌ها	ب (18)	کیفیت نامناسب و آشفتگی‌های نظری
ب (5)	ضعف روحیه کارافرینی بسیاری از پژوهشگران	ب (12)	عدم شناسایی موانع روش شناختی	ب (19)	بی توجهی به نظرات دانشجویان
ب (6)	ارائه راهنمایی نامناسب به دانشجویان	ب (13)	اولویت آموزش به پژوهش	ب (20)	کاربردی نبودن پژوهش‌های علوم انسانی
ب (7)	تخصصی نبودن محتوای علوم انسانی	ب (14)	معادله غلط سیستم دانشگاهی	ب (21)	حضور ناآگاهانه دانشجویان

جدول ۳) کدهای اولیه حاصل از تجربه زیسته دانشجویان از دلایل ناکارآمدی علوم انسانی - مضمون (ج-ساختاری)

کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه	کد	عنوان کدهای اولیه
ج (1)	نگاه تبعیض آمیز بین حوزه علوم انسانی و سایر حوزه‌های علمی	ج (3)	عدم به کارگیری معیارهای علمی در گزینش دانشجو	ج (5)	نگرش منفی مسئولان آموزشی به حوزه علوم انسانی
ج (2)	ضعف ترجمه‌ها	ج (4)	تسلط گروه‌های رادیکال و بی‌سواد	ج (6)	ضعف مکانیزم کنترل کیفیت و بهینه‌سازی



جدول ۴) استخراج زیر مضمون ۱

زیر مضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل انسانی	A1	1.A.1	پایین بودن سطح علاقه و انگیزش دانشجویان	بسیار از استادان و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی انگیزه کافی برای بحث و گفتگوهای علمی در کلاس درس را ندارند
		2.A.1	فقدان استادان متخصص و مرجع	بعضی از استادان رشته‌های علوم انسانی از ضعف تخصصی برخوردارند
		3.A.1	نداشتن سیاست پژوهش محوری مسئولان آموزشی	یکی از مشکلاتی که در حیطه علوم انسانی می‌توان به آن اشاره کرد بخش پژوهش این حوزه علمی است، هنوز سیاست مشخصی در این زمینه تدوین نشده است
		4.A.1	تلاشگر نبودن دانشجویان	به دلیل نداشتن پشتکار و عدم تلاش از سوی بعضی از دانشجویان علوم انسانی با این تلقی این رشته بر خلاف رشته‌های دیگر نیاز تلاش و کوشش زیاد نیست
		5.A.1	هویت حوزه علوم انسانی به صورت مستقل تعریف نشده است	نبودن هویت مستقل علوم انسانی و کم توجهی به این مساله از سوی مدیران و عاملان فرهنگی و علمی
		6.A.1	کارایی نامناسب مدیریت انسانی	عدم مدیریت کافی در جهت تربیت نیروهای مستعد و متخصص

بیافزاید. متأسفانه علوم انسانی آنطور که باید و شاید در مراکز علمی و دانشگاهی ما تصویرسازی نشده، بسیاری از محققان این حوزه فقط در حد قلم زدن و نوشتن به تعریف علوم انسانی کمک کردند. در میدان عمل هنوز استادان دانشگاه‌ها با تدریس فرسایشی و دلسردکننده عامل فراری شدن بسیاری از طالبان این حوزه می‌باشند."

کد ۱۶، مصاحبه ۲۲: "به نظر من تدریس فرسایشی استادان این حوزه علمی باعث شده است که فضای کلاس‌ها خشک و عاری از تنوع و شادی و علاقه باشد، تدریسی که می‌تواند جذابیت این حوزه را کاهش دهد و دانشجو را نسبت به مسائل پیش‌روی این حوزه علمی نگران کند، مثلاً در کلاس‌های ما بسیاری از استادان فقط آه و ناله می‌کنند، چیزهایی را به خورد دانشجو می‌دهند که تصورات ذهنی خودشان بوده است. جذابیت کافی در مورد موضوع‌های مورد بحث حوزه علوم انسانی از خود نشان نمی‌دهند، مثلاً می‌توانند از موضوع‌های مبتلابه زندگی و جامعه برای شروع و تمرکز مباحث علوم انسانی استفاده کنند ولی هیچ وقت من ندیدم در این زمینه ابتکار عمل از خود نشان دهند."

#### ۳-۵ عوامل آموزشی

کد ۲۵، مصاحبه ۲۸: "به عنوان یک دانشجو رشته برنامه ریزی درسی هیچ نوع بازدهی در برنامه های درسی پاس شده نداشتیم و دلیل این برمی‌گردد به مدیریت، کیفیت پایین برنامه‌های ارائه‌شده توسط نظام آموزش عالی، به نظر من ابتدا

کد ۸، مصاحبه ۱۴: "واقعیت این است که تصویر اجتماعی ارائه شده از حوزه علوم انسانی این مطلب را به مخاطب القا می‌کند که برای کسب پول و کسب موقعیت و جایگاه اجتماعی بالا علوم انسانی را کنار بگذارد. این مساله و این تصویرسازی زمینه بروز نگرانی‌ها از آینده شغلی فارغ التحصیلان و فراگیران رشته های علوم انسانی و زمینه بروز دلسردی‌ها بی انگیزگی دانشجویان رشته های این حوزه علمی است."

#### ۲-۵ عوامل آموزشی

کد ۱۱، مصاحبه ۱۸: "علوم انسانی مهجور است و معلم‌ها و استادان در به حاشیه رانده شدن این حوزه نقش اساسی را بازی می‌کنند. از همان ابتدا که مدرسه می‌رفتیم دانش‌آموزان تنبل به علوم انسانی نوید داده می‌شدند؛ یعنی به یک جهنم...! الان در دانشگاه‌ها هم وضع همین است، انگار علوم انسانی جنس دوم یا بنجل است."

کد ۱۴، مصاحبه ۲۰: "به نظر من دانشجو، عدم پول‌زایی علوم انسانی و آینده مجهول فارغ التحصیلان این حوزه اگرچه تصویر ناصوابی را القا می‌کند اما در جامعه ایران این تصویر ساخته و پرداخته شده عده‌ای غیرمتخصص است می‌خواهند این حوزه درجا بزنند و پیشرفت نکنند، می‌خواهند مترجم تفکرات غرب به نظر برسند. این افراد آگاهی لازم در زمینه مطالب علوم انسانی ندارند و نمی‌دانند چه مزایایی دارد و حل آن تا حد زیادی می‌تواند ارزش آموزش این علوم را

جدول ۵) استخراج زیر مضمون ۲

زیر مضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل آموزشی	B1	1.B.1	عدم ارتباط بین نهاد علم و جامعه	رشد علوم انسانی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نه تنها بسیار کند است بلکه هیچ گونه ارتباطی با عناصر و ویژگی یک جامعه در حال پیشرفت ندارد
		2.B.1	تقدم عرضه بر تقاضا	بسیاری از سرفصل‌های مصوب در حوزه علوم انسانی با مسائل روز کشور تناسب ندارد و بر اساس برنامه ریزی‌های راهبردی و کلان کشور تصمیم‌گیری نشده است
		3.B.1	نبود پیش‌توسعه یافته	راهبردهای تغییر و اصلاح در حوزه علوم انسانی نسبت به سایر رشته‌ها بسیار کند است، حوزه علوم انسانی هم سویی مناسبی با پیشرفت‌های جامعه جهانی ندارد
		4.B.1	نبود تعاملات فکری در محیط کلاس	خالی بودن فعالیت‌های کلاسی از بحث‌ها و تعاملات فکری و عدم معرفی مناسب و کافی
		5.B.1	حضور ناآگاهانه دانشجویان	بسیاری از دانشجویان به دلیل عدم شناخت کافی از رشته‌های علوم انسانی ناآگاهانه وارد حوزه علوم انسانی می‌شوند
		6.B.1	حاکم بودن فضای خشک و بی‌روح در محیط آموزشی	به دلیل محتوای خشک بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، عدم همکاری بسیاری از استادان در رونق بخشیدن به محیط‌های آموزشی.

جدول ۶) استخراج زیر مضمون ۳

زیر مضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل آموزشی	B1	7.B.1	به محاق رفتن علوم انسانی	اولویت دادن به گفتمان فنی مهندسی در برنامه‌ریزی آموزش عالی و به حاشیه رفتن علوم انسانی و گفتمان علوم انسانی
		8.B.1	اولویت دادن به فرم به جای محتوا	غلبه فرمالیسم آموزشی و پژوهشی و مناسک صوری آکادمیک امروز صدر تا ذیل آموزش عالی ما از آیین‌نامه‌ها و سرفصل‌ها تا مجلات و پایان‌نامه‌ها، همه گرفتار فرمالیسم شده‌اند
		9.B.1	به روز نبودن پژوهش‌های علوم انسانی	بسیاری از تحقیقات علوم انسانی نه تنها هدفمند نیست بلکه مطابق با مسائل روز کشور نیست. شکاف عمیق میان مباحث ارائه شده در ایران با موقعیت وضعیت کنونی آن در جهان وجود دارد
		10.B.1	بومی نبودن مباحث تئوری و علمی	مباحث تئوری و علمی در حوزه علوم انسانی بومی نیست
		11.B.1	عدم جایگاه مطالعات بین رشته‌ای در دانشگاه‌ها	عدم گسترش گرایش‌های میان رشته‌ای در درون علوم انسانی و بین رشته‌های علوم انسانی با سایر علوم به عنوان یکی از راهبردهای ملی
		12.B.1	کیفیت نامناسب و آشفتگی‌های تئوریک	کمبود نظریه‌پردازی صحیح و معضل روش‌شناختی نظریه‌پردازی در علوم انسانی از دیگر مشکلات علوم انسانی کشور است.

باید وجهه حوزه علوم انسانی تعریف بشود بعد مواد آموزشی با نیازهای و نیروی کشورمون هماهنگ شود. مدرک‌گرایی از بین برود. کشور ما باید توانمندی خودش را در تربیت نسل آینده به خوبی نشان بدهد، رابطه بین عرضه و تقاضا در رشته‌های علوم انسانی واقعا جای تاسف و تعمق دارد، محتواهای ارائه‌شده این حوزه علمی در دانشگاه‌ها بیشتر وقت و آینده دانشجو را میگیرد و چیزی جز حفظ یک سری مکتوبات نتیجه‌ای ندارد."

کد ۲۳، مصاحبه ۳۰: "این بحث جای تعمق دارد و باور کنیم و به خودمون بقبولانیم که پژوهش‌هایی که در علوم انسانی توسط محققان تدوین و تولید می‌شود به درد جامعه علمی و آینده شغلی نمی‌خورد، تا کنون هیچ یک از پژوهش‌های مورد نظر این حوزه نتوانسته درد دیرینه و زخم کهنه این حوزه را حل یا حداقل التیام ببخشد، متأسفانه فقط در حد شعار می‌نویسیم و در حد شعار به این مساله بزرگ توجه می‌کنیم."

#### ۴-۵ عوامل آموزشی

کد ۳۰، مصاحبه ۳۶: "به نظر من برای اینکه از ورطه عقب ماندگی بیرون بیایم باید در مرحله اول به حوزه علوم انسانی به عنوان حوزه ای که می تواند در توسعه اقتصادی و فرهنگی جامعه تاثیر به سزایی داشته باشد نگاه کنیم، خیلی جالبه که هنوز ما روش شناسی علمی این حوزه را بومی نکردیم، هنوز با دیدگاه غربی این مساله را به مخاطب تلقین می کنیم، هیچ وقت سعی نکردیم موانع موجود این حوزه را شناسایی کنیم در کنارش همچنان مینالیم و انتظار داریم که باید چنان می شد و چنان میکردند."

کد ۳۲، مصاحبه ۳۸: "حل موانع موجود در توسعه علوم انسانی و ناکارآمدی این حوزه نیازمند تصمیم جدی و همکاری بین نهادها و سازمان ها و ارتباط متقابل استاد و دانشجو است، این مساله به تنهایی از عهده هیچ نهاد و سازمانی بر نمی آید. باید با مشارکت و ارتباط متقابل بین مجموعه های علمی و فرهنگی انجام بگیرد."

#### ۵-۵ عوامل آموزشی

کد ۳۴، مصاحبه ۴۰: "علوم انسانی قابلیت های مهارتی مهمی دارند. این علوم در عرصه وسیعی از کار و زندگی جمعی و فردی مهارت هایی را به فرد می آموزد این در حالی است که در کتب علوم انسانی، دانشگاهی کمتر از آن ها به عنوان یک قابلیت کارآفرینانه سخن به میان می آید. اگرچه این دانش ها و حتی در شکل توسعه یافته آن به صورت مهارت منتقل می شود، تعبیر مهارت کارآفرینانه از آن یاد نمی شود."

کد ۳۶، مصاحبه ۴۲: "به نظر بنده یکی از الزامات قابل توجه و مورد تأکید برای ایجاد تحول و زمینه سازی در زمینه پویایی حوزه علوم انسانی توجه به شاخص فرهنگ دانشگاهی است، حوزه علوم انسانی نیازمند بهره گیری از پژوهش به جای آموزش صرف و برخورداری اساتید از ارزش ها و هنجارهای دانشگاهی و انسانی است، وجود چنین فرهنگی نه صرفاً برای علوم انسانی بلکه برای دانشگاه لازم به معرفی می شود اما اهمیت آن به دلیل جایگاه علوم انسانی که نقش عملی آموزش را در ارائه الگوهای منشی و رفتاری نشان می دهد به مراتب بیشتر است."

جدول ۷) استخراج زیرمضمون ۴

زیرمضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل آموزشی	B1	13.B.1	ضعف روحیه کارآفرینی بسیاری از پژوهشگران	بسیاری از استادان و مسئولان آموزشی به نظرات و دیدگاه های دانشجویاندر خصوص علل و عوامل توسعه علوم انسانی بی توجه هستند
		14.B.1	عدم شناسایی موانع روش شناختی	توسعه علوم انسانی در گرو توسعه روش شناسی آن ها و اهمیت تأمل در موانع روش شناختی
		15.B.1	بی توجهی به نظرات دانشجویان	عدم احساس نیاز و نداشتن انگیزه کافی از طرف پژوهشگران، ضعف روحیه کارآفرینی

جدول ۸) استخراج زیرمضمون ۵

زیرمضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل آموزشی	B1	16.B.1	ارائه راهنمایی نامناسب به دانشجویان	بسیاری از عملکردهای ضعیف دانشجویان به علت راهنمایی نامناسب استادان و محققان زیر ربط و ایجاد سردرگمی بین دانشجویان علوم انسانی
		17.B.1	اولویت آموزش به پژوهش	ساختار برنامه ریزی آموزشی چندان به نوآوری و روزآمدی اهمیت نمی دهد و آن را ضروری هم نمی داند. پژوهش نیز در تعبد و حاشیه همه آیین نامه ها و سیاست گذاری های دانشگاه ها است
		18.B.1	کاربردی نبودن پژوهش های علوم انسانی	عدم اهتمام به کاربردی بودن پژوهش های علوم انسانی در مراکز علمی و دانشگاهی یکی از چالش های ضعف نظام آموزش عالی است.

## ۵-۶ عوامل آموزشی

کد ۳۹، مصاحبه ۴۵: "چند روز پیش داشتم مقاله‌ای می‌خوندم که در آن نوشته بود که در کشورهای پیشرو و پیشرفته، علوم انسانی علوم خلاقانه معرفی می‌شود. این علوم به دلیل ارتباط با سرشت انسان موضوع مطالعه محققین قرار گرفته‌است و درجه خلاقیت و نویه‌نو شدن در آن زیاد است. ولی متأسفانه در کشور ما و در راس آن جامعه علمی و آکادمی به واسطه سیستم غلط آموزشی و کیفیت نامناسب تحصیلات دانشگاهی، نو بودن و خلاقیت این حوزه روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر و کم‌فروغ‌تر می‌شود، ازاین رو باید یک طرح متفاوت از این واژه را در فضای دانشگاهی رواج داد."

## ۵-۷ عوامل ساختاری و بنیادین

کد ۴۶، مصاحبه ۵۰: "ببینید درسته که آموزش عالی و سایر نهادهای علمی و دانشگاهی در زمینه توسعه علوم انسانی سرمایه‌گذاری می‌کنند ولی خب متأسفانه این سرمایه‌گذاری خیلی جدی‌تر و گسترده‌تر و اصولی‌تر مطرح نشده و نیست، به عبارتی بهتر بگویم هنوز حرکت نابرابری بین حوزه علوم انسانی و سایر حوزه‌های علمی من جمله پزشکی و مهندسی در جریان است، نگاه تبعیض‌آمیز و عاری از فهم

اصولی نسبت به این علوم تنش‌ها و چالش‌هایی را برای فراگیران و طالبان این حوزه از علم و اندیشه را به وجود آورده است."

کد ۲۸، مصاحبه ۳۲: "از نظر من دانشجو دانشگاه‌ها و مراکز علمی اقتدار با دیده تحقیر و کوچک‌شماری به حوزه علوم انسانی نگاه می‌کنند که در بعضی مواقع بنده از اینکه در این حوزه علمی در حال تحصیل هستم و فعالیت می‌کنم از خودم و آینده شغلی، رشته تحصیلی ناامید می‌شوم، اگر قرار است این نگاه‌ها در این حوزه باشد چرا اصلاً در حوزه علوم انسانی دانشجو پذیرش می‌کنند، چرا با این نگرش‌ها و گرایش‌ها ناامیدی را برای آینده یک دانشجو به بار می‌آوردند، متأسفانه هیچ نوع گزینش معتبری در ورود به حوزه علمی علوم انسانی وجود ندارد، از دوران دبیرستان تا به الان کسانی که وارد این حوزه می‌شوند برچسب تنبل و کودنی و خنگ بودن بهش می‌زنند، حتی یادمه در دوران دبیرستان مدام به ما می‌گفتند اگر معادلتون خوب نباشه مجبوریم به اجبار شما را در کلاس‌های علوم انسانی ثبت نام کنیم، این در کجای منطق جامعه علمی می‌گنجد."

### جدول ۹) استخراج زیرمضمون ۶

زیرمضمون	شماره	شماره اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل آموزشی	B1	19.B.1	تخصصی نبودن محتوای علوم انسانی	عناوین و سرفصل‌ها و محتوای برنامه‌های درسی در حوزه علوم انسانی نیز از حیث عمق و تخصصی بودن دارای مسائل و مشکلاتی است
		20.B.1	معادله‌ی غلط سیستم دانشگاهی	سیستم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی متأسفانه مقاله محوری است و هیچ گونه چشم اندازی در زمینه محصول محوری و پژوهش محوری ندارد
		21.B.1	کیفیت نامناسب تحصیلات دانشگاهی	از نظر معرفی حوزه تحصیلات دانشگاهی چند قدم عقب‌تر از کاروان علوم و معرفت در حوزه علوم انسانی در حرکتیم

### جدول ۱۰) زیرمضمون ۷

زیرمضمون	شماره	شماره اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل ساختاری و بنیادین	C1	1.C.1	سایر حوزه‌های علمی	به واسطه فلسفه غلط سیستم آموزشی، نگاه بسیاری از مسؤلان آموزشی با بی‌توجهی و عدم استقبال از پژوهش‌های علوم انسانی و نداشتن رویکرد کاربردی بودن به نسبت رشته‌های دیگر مواجه است.
		2.C.1	عدم به کارگیری معیارهای علمی در گزینش دانشجو	به واسطه نداشتن معیارهای علمی در گزینش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دکتری و جلوگیری از کسانی که بار علمی ندارند

## ۵-۸ عوامل ساختاری و بنیادین

کد ۳۶، مصاحبه ۴۸: "دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور ما، کاملا در یک چهارچوب محافظه کارانه ای قرار گرفته است، مثل اینکه عنان این سیستم دست یک عده افراد افراطی و متعصب با ذهنیت های بسته قرار گرفته، جهت مشخصی ندارد، نه ورودی مشخصی دارد نه خروجی مشخص دارد، اصلا آموزش عالی ایران سیاست ندارد، با راهبرد فکری افراد غیر متخصص اداره می شود، میدان برای افراد نخبه و متخصص خالی است، اجازه حرکت بنیادین و جدیدی را به افراد نمی دهند، در این سیستم کهنه و مترجم، آیا انتظار داریم که حوزه علوم انسانی رشد کند؟ این سیستم قدیمی و کهنه است نیاز به تولد دوباره دارد ولی نمی خواهند و نمی گذارند این سیستم حرکت نوینی داشته باشد."

کد ۳۹، مصاحبه ۵۲: "حوزه علوم انسانی ما نیاز به تحول و بازبینی دارد، من نمی دانم ولی تا آنجایی که به عنوان یک دانشجو این حوزه را لمس می کنم باید بگویم این سیستم آموزشی نیاز به یک تحول بنیادینی دارد، باید دنبال نواقص و مشکلات این سیستم باشیم باید دنبال این باشیم که چرا خروجی سیستم ما دچار بیماری واگیر دار شده است؟ چرا دانشجویهای ما بیسواد پرورش می یابند، علت چیست؟ چرا انگیزه های علمی در بین دانشجویها کم شده است؟ چرا فرصت رشد علمی را به دانشجویها نمی دهند؟ علوم انسانی در کشور ما برگرفته از نگرش های غربی است، ما در این حوزه حرفی برای گفتن نداریم، برداشت های دگماتیسم از این علوم نوعی در جا زدن است نوعی مهجور ماندن این علوم است."

## ۶- نتیجه گیری

در میان علوم، علوم انسانی رابطه وثیق تری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب های نظری توسعه یافتگی بر اساس آن استوار می شود. با وجود این، گزارش های موجود نشان می دهد وضعیت تولید علم در حوزه علوم انسانی چندان رضایت بخش نیست. مقوله کارایی علوم انسانی و کارآمدی این حوزه، نیازمند تأمین شرایط مهم تر و تأمین فضای باز فکری در دانشگاه ها و استقلال جامعه علمی است. در مقاله حاضر تلاش شد دیدگاه شرکت کنندگان در خصوص ناکارآمدی علوم انسانی در دانشگاه ها مورد مطالعه قرار گیرد که اصلاح، بازبینی عوامل انسانی و آموزشی و ساختاری و اداری و یا تقویت آنها به عنوان راهبردهای مؤثر، برای بهبود کارآمدی حوزه علوم انسانی مورد تاکید قرار گرفت. در مقاله حاضر به صورت عمقی به مسائل و مشکلات زیربنایی حوزه علوم انسانی پرداخته شده و ضمن اشاره به جایگاه حوزه علوم انسانی به تعامل سازنده این حوزه با حوزه اجرایی و آموزشی و زیربنایی تاکید شده است. راهبرد کاربردی شدن حوزه علوم انسانی و بازگشت این علوم به پیشسازی و تعیین افق آینده کشور نیازمند عبور از تحقیقات جزئی به سمت نظریه های کلان است، اجرای پژوهش های علوم انسانی در چهارچوب نظریه های غربی راه به جایی نخواهد برد و علوم انسانی با این روند دچار دورباطل خواهد شد، حرکت روبه جلو و اصلاح نظام آموزش عالی در حوزه علوم انسانی به قدری مورد تاکید قرار گرفته که علاوه بر وزارت علوم و قوه مجریه، نیازمند عزم جدی سایر قوا است. با توجه به یافته های پژوهش و به

جدول (۱۱) زیرمضمون ۸

زیرمضمون	شماره	شماره کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
عوامل ساختاری و بنیادین	C1	5.C1	تسلط گروه های رادیکال و بی سواد	بسیاری از سیاست ها و تصمیم های گرفته شده در حوزه علوم انسانی متشکل از ذهنیت و باورهای افراد مسلط و تندرو است
		6.C.1	ضعف مکانیزم کنترل کیفیت، بهینه سازی	به علت نداشتن چشم آنداز مشخص و کلیدی در برنامه های دانشگاهی و دنبال رو بودن تفکرات و نظریه های قدیمی و غیر بومی
		7.C.1	پیشرو نبودن و تقلیدی عمل کردن	به علت نداشتن معیار گزینش افراد متخصص در مرتبه های مختلف علمی، عدم توجه به مقتضیات و نیازهای روز و حاکم بودن نوعی تفکر بیمارگونه و سردرگم
		8.C.1	نبود بیش توسعه یافته	به علت نداشتن معیار گزینش افراد متخصص در مرتبه های مختلف علمی، عدم توجه به مقتضیات و نیازهای روز و حاکم بودن نوعی تفکر بیمارگونه و سردرگم

مراکز علمی و دانشگاه‌های ایران در گرو آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی پژوهش در حوزه مورد بحث و هم‌مستلزم استقرار بسترهای سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، و مغزافزاری متناسب با شأن و جایگاه این حوزه علمی می‌باشد که از دید اهل نظر، در مجامع تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور مغفول واقع شده است. مساله دیگری که حوزه علوم انسانی با آن روبه‌رو است، بومی‌سازی علوم انسانی به معنای مطالعه و بررسی مقتضیات جامعه، هنجارها، ناهنجاری‌ها، رفتارها و تطبیق علوم انسانی براساس نیاز فرهنگ جامعه است. برای رسیدن به این هدف ابتدا باید الگوی مشخصی از تحول داشته باشیم و براساس آن الگو پیش برویم.

## References

## منابع

- [1] Khoshnevesan, F, Abbaspour, A, Fazeli, N, and Neyestani, Mohammad, R, (2018), **Requirements and Challenges of Entrepreneurial Humanities in the Iranian University System: A Phenomenological Analysis of the Humanities**, *Quarterly Journal of Cultural Sociology, Institute of Humanities and Cultural Studies*, 9(3), pp. 30 – 1.
- [2] Ghazinoory, S., and Tavassoli Zadeh, S. (2008). **Assessing NINI (National Iranian Nanotechnology Initiative) by BSC; & Explaining The Role of “Social Capital” As a Missing Link In NIS Theory**. *Journal of Science and Technology Policy*, 1(4), 49-59. {In Persian}.
- [3] Bazargan, A, (2012), **Qualitative and mixed research methods**; Tehran: Didar Publications.
- [4] Abedi, H, (2010), **Application of Phenomenological Research Method in Clinical Sciences**, *Cultural Strategy Quarterly*, No. 54, pp. 207-224
- [5] Golkar, R, Nasrasfahani, A, Nili, Mohammad, (2020), **Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education**, Page 26, Number 2, pp. 10.
- [6] Kafi, M, (2010), **Sociology of History and Historiography**, *Quarterly Journal of Islamic History*, Tenth Year, No. 3.
- [7] Mathematics, Abdul Mahdi, (2008). **Increase the impact factor of humanities research: proposing an impact model**. National Congress of Humanities: Today's situation, tomorrow's perspective. Tehran: 22.24 March.
- [8] Hamdipour, A, Zavareghi, R and Moradi, S (2015), **Pathology of Knowledge Empowerment Challenges of Humanities Professors**, *University of Tabriz, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Volume 44, Number 11, Page 34.1.
- [9] Pariad, R and Maleki, B, (2014), **Research in Humanities**, *National Congress of Humanities Case*

منظور بهره‌گیری از کارایی حوزه علوم انسانی در جهت ارتقای دانشگاه‌ها و جوامع علمی و پژوهشی پیشنهاد می‌شود: سیاستگذاران و مسئولان و مدیران نظام آموزش عالی کشور در جهت توسعه و کارآمدی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران قدم مثبتی بردارند و فعالیت‌های پژوهشی و فرایند تولیدات علمی علوم انسانی به عنوان یک حوزه علمی سرنواخت ساز که خودباوری نظری و تجربی ما از نظر دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در گرو اعتلای دستاوردهای علمی و تحقیقاتی آن است بهره‌گرفته و در جهت ارتقا و توسعه هر چه بیشتر آن تلاش کنند. کیفیت فعلی آموزش عالی به طور اعم و کیفیت حوزه علوم انسانی به طور اخص به شدت متأثر از عوامل و شرایط محیط درونی و محیط بیرونی مراکز دانشگاهی است. این عوامل در هر دو سطح کلان و خرد قابل توجه هستند بنابراین یکی از رسالت‌ها و اهداف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور باید بر آموزش و تأمین دانش‌آموختگان مورد نیاز در بخش‌های مختلف، مشارکت در تولید و فناوری و و ارتقای علمی و فرهنگی جامعه در منشور ساختار نوین وزارت علوم تجلی یافته باشد. هنوز چالش‌های مهمی در نظام آموزش عالی کشور را از نیل به اهداف پیش‌رو باز داشته که ریشه بسیاری از آن‌ها را باید در خود سازمان، سبک رهبری و مدیریت نظام آموزش عالی جست و جو نمود. چالش‌های مختلف انسانی و ساختاری و اداری و آموزشی که هر کدام موانعی را بر سر راه اصلاح و توسعه علوم انسانی در دانشگاه‌ها به وجود آوردند و باعث کاهش سطح کیفیت علمی، آموزشی و پژوهشی را در حوزه علوم انسانی شده‌اند. نظر به این که حوزه پژوهش و عملکرد پژوهشی اساتید و پژوهشگران به شدت متأثر از فراسیستم‌های پیرامون خود می‌باشد بنابراین باید در راستای توسعه و تقویت فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی شرایطی فراهم گردد که تصور مسئولین و نگرش و ذهنیت اجتماعی منفی راجع به جایگاه علوم انسانی و سودمند نبودن آن اصلاح‌شده و زمینه‌ها و شرایط مناسب و مطلوب رای اجتهاد علمی و ایده‌پردازی در آن فراهم شود. بدیهی است که وجود یک جو هم‌فکر و سازگار در هر زمینه‌ای از علم و دانش بیانگر فضای علمی و پژوهشی مناسب است. تامل در کارایی حوزه علوم انسانی در

- [22] Azizi, N (2013), **Pathology of research inefficiency in humanities**. The first international conference on higher education. Kurdistan University 27 and 28.
- [23] Afshani, A, (2016), **Commercialization of Humanities; Opportunity or Threat**, Etemad Newspaper, p.7.
- [24] Mir Bagheri, S,M, (2012), **Discourses on Transformation in the Humanities Qom**. Fajr Province.
- [25] Hosseini, S. H, (2014), **Programs, Objectives and Approaches of the Council for the Study of Texts and Books of Humanities**, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- [26] Goodarzi, GH, (2015), **Prioritization, of Humanities ,Transformation Management Requirements Based on Islamic and Iranian Strategic Management**, 3rd International Congress of Islamic Humanities.
- [27] Sekaran, Uma. (1996). **Research Methods for Business**, 2nd ed. New York: Wiley.
- [28] Khan Mohammadi, K, (2014). **A Study of the Process of Islamization of Universities in Iran: With a Cultural Policy Approach**, Quarterly Journal of Islamic University, Tenth Year, No. 32, pp. 122-81 .
- [29] Abu al-Ma'ali, Kh, (2012). **Qualitative research methods from theory to practice**, Tehran: Alam Publishing.
- [30] Strauss, A. And c. Carbin (2011). **Fundamentals of qualitative research, techniques and stages of production of grounded theory**. Tehran: Ney.
- [31] Yeo, A. Y. C. (2003). **Examining a Singapore bank's competitive superiority using importance-performance analysis**. Journal of American Academy of Business, 3(1/2), 155-161.
- [32] Patton, M. Q. (1990). **Enhancing the quality and credibility of qualitative analysis**. Health services research, 34(5 Pt 2), 1189.
- [33] Delaware, A (2012). **Research Method**, Tehran: : Editing Publishing.
- [34] Abedi, H, (2010), **Application of Phenomenological Research Method in Clinical Sciences**, *Cultural Strategy Quarterly*, No. 54, pp. 207-224.
- Study**: Iran, National Congress of Humanities Today, Tomorrow Outlook, Tehran.
- [10] Sajjadian, M, (2011). **The role of universities and educational institutions in the promotion of humanities**. National Congress of Humanities.
- [11] Beheshti, B (2016), **Identifying the Perception and Interpretation of Students in the Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran on the Islamization of Higher Education Curricula: A Phenomenological Research**, M.Sc. Thesis, University of Tehran.
- [12] Nazemi, S, (2010). **Time for Awakening**, *Surah Magazine*, Winter 88, Number. 45.
- [13] Ghanei Rad, M, (2013). **Indicators of Technology and Innovation Audit in the field of humanities**, published document, Vice President for Science and Technology.
- [14] Barzegar, I, (2014). **Humanities Localization Approach, Humanities Methodology Quarterly**, Number. 63, Summer.
- [15] Hassani, S, H, (2010). **Analysis of the mechanism of ijtehad as a model for the production of Islamic humanities**, *Proceedings of the Conference on the production of science and software movement in the field of Islamic education*, Number. 1, Spring.
- [16] Hooker, M. (1997), **The Transformation of Higher Education**, in D. Oblinger, and S. C. Rush (eds). **The Learning Revolution**, Bolton, MA: Anker Publishing Company, INC .
- [17] Lankard, B. A. (1994), **The Place of the Humanities in Continuing Higher Education**. ERIC Digest No. 145.
- [18] Kerr, C. (1994), **Troubled Times for American Higher Education: The 1990s and Beyond** , Albany: State University of New York Press , p. 51.
- [19] Zgodavova, K, (2010), **Critical success factors of research and education process at Slovak university of trancin, Slovak**, Creative April 26.
- [20] Majumder M.A. (2004). **Issues and priorities of medical education research in Asia**. *Ann Acad Med Singapore*; 33(2): 257-63
- [21] Arefi, M (2013). **Strategic lesson planning in higher education**. Tehran: Shahid Beheshti Publications.